

کربلا در اندیشه و سیره

امام خمینی رحمته الله علیه

غلامرضا گلی زواره

چکیده

کربلا در طول تاریخ، کانونی برای خیزش‌ها و قیام‌های مبارزان اسلام بوده و افزون بر آن، در طول قرون و اعصار، به کانون مهمی برای تدوین، نشر و گسترش علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام تبدیل شده است. علما و فقهای شیعه برای پویایی و فروزندگی حوزه علمیه این شهر، اقدامات مفید و مؤثری انجام دادند و آن را به صورت پایگاه علم و معرفت درآوردند. امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است که اگر حضرت امام حسین علیه‌السلام در برابر منکرات و مفسد بنی‌امیه به مقابله بر نمی‌خاست و در مدینه به امور عبادی و ترویجی مشغول بود، دیگر نیازی نبود که به عراق برود و کربلا را به وجود آورد. نهضتی که به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه شکل گرفت، الهام رفته از حماسه حسینی بود؛ چنان‌که ایشان بر پیوستگی نیروهای مؤمن و انقلابی با عاشورائیان تأکید می‌کرد. امام هنگام اقامت در عراق، مقید بود در مناسبت‌های خاص به زیارت آستان حسینی در کربلا برود. این نوشتار، ضمن اشاره به جایگاه تاریخی و علمی کربلا، این شهر مقدس را در اندیشه و سیره امام خمینی رحمته الله علیه بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: آستان حسینی، حوزه علمیه کربلا، زیارت، امام خمینی.

کربلا کانون فداکاری، حماسه و مقاومت، و نام و یادش برای طالبان حق و عدالت، جذاب و امیدوارکننده است. خون مطهر و زبده دو نور مقدس و سومین فروغ امامت، خاک این سرزمین را سرخ‌فام، مقدس و متبرک کرده است. کانون اصلی این شهر، بارگاه مقدس حضرت امام حسین علیه السلام و دیگر شهیدان نینواست. این آستان ملکوتی، ضمن توسعه و آراسته‌گردیدن به جلوه‌های گوناگون هنری و معماری باشکوه در اعصار گوناگون، در شکل‌گیری، رونق و گسترش کربلا تأثیر فزاینده‌ای داشته و در کیب جمعیتی، فرهنگ و ساختار اجتماعی آن تحول ایجاد کرده است. حتی کربلا بر دیگر کانون‌های شهری و مراکز فرهنگی عراق اثر گذاشته و در تکوین فرهنگ حماسه و شکل‌گیری خیزش‌های سیاسی و فعالیت‌های مبارزاتی این سرزمین، نقش بارزی داشته است.

علمای ساکن کربلا ضمن الهام گرفتن از قیام عاشورا برای مبارزه با جور و فساد و همچنین رویارویی با متجاوزان و مهاجمان، به منظور غنای علمی و فکری حوزه این شهر، اقدامات گسترده‌ای انجام داده و در جوار آستان حسینی، مشعل معرفت و فضیلت را شعله‌ور ساخته‌اند. از همان قرون اولیه، که کربلا در جهان اسلام، شهری مقدس، زیارتی و یادآور مبارزه با ستم و بی‌عدالتی قلمداد گردید، کاروان‌هایی از محدثان، فقها، متکلمان و بزرگان شیعه به این شهر مهاجرت کردند و رفته‌رفته این شهر را به صورت مرکزی دنی، علمی و فرهنگی درآوردند و با تربیت صدها شاگرد شایسته و لایق، بر فضای فکری و معرفتی دیگر مناطق دنیای اسلام اثر گذاشتند و علاوه بر نقش‌آفرینی در تکوین فرهنگ، دانش و اندیشه، در اصلاح فضای سیاسی - اجتماعی، رشد و نمو قیام‌ها و حرکت‌های تحول‌آفرین عراق و برخی نقاط مجاور، اثرگذار بوده‌اند.

عاشورای کربلا الهام‌بخش انقلاب مهمی است که با رهبری امام خمینی علیه السلام اوج گرفت و به پیروزی رسید. امام خمینی علیه السلام این نهضت را ادامه، تابع و ملهم از حماسه کربلا تلقی کرد و تأکید ورزید که این حرکت، پیروی از قیام حسینی، چنان سازنده و رشددهنده بود که

مردانی فداکار و مجاهد تحویل جامعه داد که همچون حماسه‌سازان عاشورا با ایثار خود، روزگار را بر ستمکاران و خائنان، سیاه و امت مسلمان ایران را بیدار کردند.

وقتی امام خمینی علیه السلام از تبعیدگاه ترکیه به عراق رفت، میان استقبال باشکوه علما، فضلا، زائران و مجاوران آستان حسینی، به کربلا قدم نهاد و ضمن زیارت بارگاه مقدس سیدالشهدا علیه السلام با شخصیت‌های بزرگ حوزه این شهر و اقشار گوناگون دیدارهایی داشت. در ایامی که امام در نجف اشرف مقیم بود، هیچ‌گاه ارتباطش را با حرم حسینی در کربلا قطع نکرد و مقید بود زیارت آن آستان آسمانی را با تمام آدابش انجام دهد.

جایگاه تاریخی و علمی کربلا

الف) وجه تسمیه، جغرافیا و جامعه

لفظ کربلا، اعجمی و معرب است. این واژه در اصل، کوره بابل، به معنای مرکز شهرستان و احیه در منطقه بینا مهران و ساحل رودخانه فرات و کرسی دهکده‌های قدیمی بابل شامل غاضریه، عقر بابل، کربله، نینوا، نوایس، حیر و حائر بوده است (هادی الطعّمه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹ و ۲۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۲۴۰ و ۱۸۷۰).

برخی گفته‌اند این لفظ، در اصل کرب بلا بوده که بآء اول حذف گردیده است و وقتی به امام حسین علیه السلام عرض کردند این سرز بن طف [تف = بیابان گرم] نام دارد و نام دیگرش کربلاست، فرمود: «اللهم اعوذ بک من الكرب و البلاء»؛ «خدایا از اندوه و بلا به تو پناه می‌برم» (دینوری، بی تا، ص ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۸۸؛ حویزی عروسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۲۱).

قلمرو کربلا و توابعش تا قبل از فتوحات اسلامی، تحت سلطه ایرانیان بود. سال شانزده هجری، تمام نقاط عراق و از آن میان کربلا تحت استیلای مسلمانان قرار گرفت (بلاذری، ۱۳۳۷ش، ص ۴۵۶-۴۶۵).

از محرم سال ۶۱ هجری، که امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و در آنجا قیام عاشورا را پدید آورد، نام‌ها و القاب کربلا در ارتباط با حماسه مطرح گردید که عبارت‌اند از نواح (کانون سوگ و

ماتم)، موضع الابتلاء و محل الوفاء، مشهدا سین، مدینةالحسین، بقعة مبارکه و حائر حسینی که مهم ترین آنها عنوان اخیر است که قداست ویژه دارد و در منابع فقهی، شرعی و روایی، دارای احکام ویژه‌ای است و در واقع، همان محدوده حرم حسینی است که به فرمایش امام صادق علیه السلام از مکان‌هایی است که نماز در آن، کامل خوانده می‌شود (عبدالجواد کلیددار، ۱۳۸۶ق، ص ۲۳؛ حمدحسن کلیددار، ۱۳۶۸ق، ج ۱، ص ۱۴؛ زبیر سلیمان، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۶).

کربلا یکی از هجده اقلیت عراق است که بین ایالات نجف در شرق و جنوب شرقی، بابل در شمال شرقی و شرق، و انبار در شمال و شمال غربی، محصور است و مساحت آن به شش هزار متر مربع می‌رسد. وقایع تاریخی، رقابت فرمانروایان، مسائل فرقه‌ای و کلامی و چهار قرن رقابت میان دو امپراتوری صفوی و عثمانی، بر معماری، ساختار اجتماعی و فرهنگی کربلا اثر گذاشته است؛ ولی در این میان، کربلا هویت اساسی و مبارکش را مدیون بارگاه مقدس امام حسین علیه السلام است و این شهر برخلاف دیگر نواحی عتبات الیات، بیشتر حوزه استقرار شیعیان فارسی‌زبان و ایرانیانی بوده که در طول قرون و اعصار به آن مهاجرت کرده و در عمران و رونق آن کوشیده‌اند. باغ‌های گوناگون، نخل‌ها، مزارع سرسبز، محلات قدیمی با جلوه‌های هنری و ذوقی و بازارهای متعدد، غالباً محصول اهتمام این مهاجران بوده است. ساکنان دیگر مناطق عراق، تعلق خاطری به این دیار دارند و تحت تأثیر جامعه شیعی آن هستند و در مناسبت‌های ویژه‌ای، طی آداب و رسوم سنتی و بومی و در قالب کاروان‌هایی برای زیارت به کربلا می‌آیند. کربلا بر ویژگی‌های شهری و مناسبات اجتماعی و فرهنگی دیگر کانون‌های روایی و شهری عراق اثر گذاشته است (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۱۵، ص ۲۰۱؛ صحتی سردرودی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۷ و ۲۸).

کربلا در جنوب غربی رودخانه فرات و در منطقه‌ای با اقلیم بیابانی واقع است و از گذشته، مزارع و باغاتش از نهرهایی سیراب می‌شده که از رودخانه مزبور سرچشمه می‌گرفته که معروف‌ترین آنها نهر علقمه است که در قرن هفتم هجری، غازان خان مغول، آن را لایروبی و بازسازی کرد. این نهر به نهر سلیمانی یا حسینی هم شهرت دارد (هادی الطعمه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹-۲۱).

ب) کربلا در گذر تاریخ

بنی اسد در برجسته کردن مرقد امام حسین علیه السلام و صیانت از آن در برابر امویان، پیش قدم بودند تا آنکه در سال ۶۶ هجری، مختار ثقفی، بنایی بر مزار امام علیه السلام ساخت که شامل گنبدی از گچ و آجر بود (همان، ص ۳۲ و ۳۳؛ محمدحسن کلیددار، ۱۳۶۸ق، ج ۲، ص ۷۲ و ۷۳).

هنگام زوال امویان و روی کار آمدن عباسیان، زمینه‌های مساعدتری برای آبادانی کربلا فراهم آمد؛ اما از آنجا که بنای مقدس، الهام بخش قیام‌هایی علیه استبداد بنی عباس شد، خلفایی چون منصور دوانیقی، هارون عباسی و متوکل، به کربلا حمله بردند و به آستان حسینی آسیب‌های جدی وارد ساختند و خلیفه اخیر، آن را در هجوم دوم و سوم، به طور کامل ویران کرد و از ورود زائران به کربلا جلوگیری به عمل آورد (مدرس، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۲۳۴ و ج ۱۰۱، ص ۱۱۲).

در سال ۲۸۰ هجری، داعی صغیر، حاکم طبرستان، از نوادگان زید بن علی علیه السلام به تجدید بنای حرم سینی اقدام کرد و یکی از کارگزاران علوی تبار، گنبدی بر مرقد ساخت و بر شکوه ظاهری آن افزود (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ص ۷۵؛ هادی الطعنة، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵ و ۳۶).

عضدالدوله دلمی، فرمانروای بااقتدار آل بویه، در سال ۳۷۱ هجری، که توقفی در کربلا داشت، فرمان داد تا بنایی با رواق‌های متعدد بر مزار امام بسازند و بین حرم آن حضرت و حضرت ابوالفضل علیه السلام، بازار سرپوشیده‌ای تأسیس کنند. عمران بن شاهین، از امیران بطایح، کار وی را پی گرفت و مسجدی را به رو سینی ملحق کرد که تا زمان صفویه باقی بود (سید بن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۶۷؛ فقیهی، ۱۳۶۶ش، ص ۴۴۸، ۴۶۱ و ۴۶۲؛ عبدالجواد لیددار، ۱۳۸۶ق، ص ۱۷۱).

در ربیع‌الاول ۴۰۷ هجری، بر اثر سقوط شمع‌های روشن‌کننده مرقد، آتش‌سوزی بزرگی در حرم رخ داد که حسن رامهرمزی، وزیر آل بویه، خسارت ناشی از آن را جبران کرد و در اطراف کربلا بارو محکم ساخت (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۸).

در سال ۴۷۹ هجری، ملک‌شاه سلجوقی، که به زیارت بارگاه حسینی رفته بود، دستور داد

اماکن و دیوارهایی از ا مکان را که دچار ضایعات و فرسودگی شده بود، ترمیم و بازسازی کنند (ستارزاده، ۱۳۸۶ش، ص ۷۹؛ هادی الطعنة، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰).

به دنبال سقوط بنی عباس در محرم الحرام ۶۵۶ هجری و استیلای مغول ها بر عراق، با تلاش علمای شیعه، عالیت های عمرانی و امنیت عتبات عراق و از آن میان کربلا رو به فزونی رفت و فرمان سرپرستی اماکن زیارتی کربلا برای شیعیان صادر شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ هادی الطعنة، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱).

غازان خان مغول در سال ۷۰۲ هجری، بارگاه حسینی را زیارت کرد و تأکید ورزید که در مرمت و آبادانی ا بنا بکوشند و برای این کار، نهایت ذوق هنری و جلوه های معماری را به کار گیرند (پی. نن رشیدوو، ۱۳۶۸ش، ص ۲۴۶؛ عفریان، ۱۳۷۸ش، ص ۹۷).

سلطان اویس جلایری در سال ۷۳۶ هجری، تعمیرات این آستان را آغاز کرد و با مرگش، فرزندش احمد جلایری، کارهای او را ادامه داد و ایوان طلا را بنا کرد که حاکمان افراطی عراق در سال ۱۳۶۳ هجری، ا بنا را تخریب و محو کردند (بیانی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۵؛ دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۷۴).

در سال ۸۵۸ هجری، علی بن محمد فلاح شعشعی، به حرم حسینی حمله، و آن را غارت کرد (مشکور، ۱۳۷۲ش، ص ۴۱۲).

در جمادی الثانی ۹۱۴ هجری، شاه اسد اعیل صفوی به کربلا رفت و یک شبانه روز در حرم حسینی معتکف شد و دستورهای لازم را درباره تعمیر، گسترش و بازسازی ان بنای مبارک صادر کرد. شاه صفی در سال ۱۰۴۲ هجری، اموال فراوانی را برای عمیر مرقد حسینی اختصاص داد. در سال ۱۰۴۸ هجری، سلطان مراد عثمانی آستان حسینی را تعمیر کرد (منشی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۷۷).

در ۱۸ ذی الحجه ۱۲۱۶، وهابیان به کربلا هجوم بردند و کشتار زیادی انجام دادند و آستان حسینی را ویران کردند و آثار ارزشمند این حرم را به غارت بردند. آنان این یورش ها را در سال های بعد نیز ادامه دادند (فقیهی، ۱۳۶۶ش، ص ۲۶۳؛ میراث ماندگار، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۹۶).

نیروهای مناخور سعیدپاشا، والی بغداد، در سال ۱۲۴۷ هجری و در هجده روزی که کربلا را محاصره کرده بودند، سه مرتبه به این شهر هجوم بردند (میراث ماندگار، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۹۷؛ محمدحسن کلیددار، ۱۳۶۸ق، ص ۱۷۰).

در عصر قاجاریه، فرمانروایان و امیران این سلسله درباره طلاکاری، آینه‌کاری و دیگر تعمیرات حرم حسینی، تهیه ضریح و مرمت گلدسته‌ها و توسعه حرم، اقدامات مفیدی انجام دادند (عبدالجواد کلیددار، ۱۳۸۶ق، ص ۱۷۲).

در سال ۱۳۵۴ هجری، یاسین هاشمی، نخست‌وزیر وقت عراق، به بهانه‌های واهی گلدسته‌های حرم حسینی را که شش قرن قدمت داشت، ویران کرد؛ اما در سال بعد، سلطان‌ظاهر سیف‌الدین اعیلی، که کربلا را زیارت کرد، دستور داد ضریح مقدس امام را با نقره خالص بازسازی کنند (صحتی سردرودی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۳۱ و ۱۳۲).

با روی کار آمدن رژیم بعثی در عراق، کربلا دشواری‌ها و سختی‌های زیادی را تحمل کرد و شاهد کشتار، غارت و ویرانی و تهاجم‌های شدیدی بود (ولید الحلی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ علی المؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۴۹۵).

حرم حسینی در وضع کنونی، به شکل مسطیل با طول هفتاد و عرض ۵۵ متر است. اساس این بنا مربوط به عصر آل یاسین است؛ ولی در اعصار گوناگون، تحولات اساسی در آن پدید آمده. این آستان، دارای ده در ورودی به سمت داخل صحن شریف است که در سال‌های اخیر، بازسازی و تعمیرات اساسی شده (زهیر سلیمان، ۱۴۱۰ق، ص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ رفیعی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۶۹).

ج) شکل‌گیری قیام‌ها در کربلا

قیام حسینی در عصر عاشورا پایان یافت؛ اما امواج حماسی و انقلابی آن هرگز خاموش نشد؛ طوری که حرکت‌ها و خروش‌هایی با الهام گرفتن از آن در گذر تاریخ اسلام پدید آمدند که برخی از آنها از سرزمین کربلا آغاز گردیده‌اند.

عده‌ای از بزرگان شیعیان کوفه، به رهبری سلیمان بن صرد خزائی، قیام توأبیین را به وجود

آوردند. آنان پیش از هرگونه اقدامی، به کربلا آمدند و بر مزار امام حسین علیه السلام به سوگواری پرداختند و از خداوند خواستند ایشان را مورد مغفرت خویش قرار دهد. این تجمع، اولین تکریم رقد حسینی در همایشی باشکوه به شمار می‌آید. آنان پس از این پیوند عاطفی با عاشورائیان و تحت تأثیر این حماسه بزرگ، برای نبرد با قوای ابن زیاد مصمم گردیدند و آنچه بسیاری از آنان به شهادت رسیدند، حرکتشان صادقانه و خالصانه بود و در شکست اُبّهت امویان مؤثر بودند (ابن ایر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۱۷۸؛ ابن مسکویه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۸).

قیام یحیی بن زید بن علی، در جوزجان از توابع خراسان بزرگ رخ داد؛ اما او پس از شهادت پدرش در کوفه، به کربلا رفت و زائران حرم دلاوران و جانبازان را گرد خویش فراخواند و با سخنانی حماسی کنار مرقد سیدالشهدا علیه السلام شعله‌های انقلاب جوزجان را در نهاد رزم‌آوران شیفته عاشورا برافروخت (اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ ابن عنبه، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴۰؛ حسینی مدنی دشتکی شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲۲).

ابوالسرایا، که در عین‌النهر عراق علیه عباسیان شورید، با ابن طباطبای بیعت کرد، به نینوا رفت و در جوار مرقد حسینی فرود آمد و به زیارت، ذکر و دعا پرداخت و از مجاوران و زائران آن بارگاه، خواست که او را تمایل دارند با ستمگران بجنگند، به وی ملحق شوند؛ پس عده زیادی به او پیوستند. ابوالسرایا به همراه قوایی که تدارک دیده بود، به ابن طباطبای پیوست و خیزش آنان به سال ۱۹۹ هجری در کوفه شکل گرفت (یعقوبی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۴۶۲؛ ابن عنبه، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۵-۴۸۰؛ مدرسی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۲۵).

یحیی بن عمرو، از نوادگان امام سجاد علیه السلام، به کربلا آمد و با عده‌ای از علویان، سادات و شیعیان انقلابی که به کربلا آمده بودند، ارتباط برقرار کرد و آنان را برای قیام علیه خلیفه وقت عباسی بسیج نمود و در سال ۲۴۸ هجری قیامش را در کوفه آغاز کرد که با شهادتش ابن حرکت شکست خورد (یعقوبی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۵۲۹؛ شهرستانی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۰۸؛ مدرسی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۲۶ و ۱۲۷).

امیر دبیس اسدی، فرزند سیف‌الدوله، که مدت هجده سال فرمانروای حله بود، در سال

۵۱۳ هجری پیاده به کربلا آمد و کنار بارگاه حسینی به زیارت، نیایش و دعا پرداخت و از خداوند خواست او را بر دشمنانش غلبه دهد. او وقتی دید در حرم حسینی، منبری نهاده‌اند و بر فرازش عده‌ای از خطبا خلیفه عباسی را دعا می‌کنند، رگ غیرتش به جوش آمد و فرمان داد آن را در هم بکوبند. وی به این اقدام انقلابی بسنده نکرد و در بخش‌هایی از عراق، به نبرد با دست‌نشانندگان بنی‌عباس پرداخت تا اینکه در سال ۵۲۹ هجری با نیرنگ سلجوقیان کشته شد (مؤسسه‌الدراسات الاسلامیه، بی تا، ص ۷۹؛ کرکوش حلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۵).

رجع تقلید شیعیان جهان، میرزامحمدتقی شیرازی، برای مبارزه‌ای اساسی و فراگیر با استعمار و عمال بریتانیا به کربلا مهاجرت کرد و در آن شهر اقامت گزید. با استقرار وی در این شهر، کربلا به کانون حرکت‌های سیاسی و دینی تبدیل شد. هماهنگی علمای کربلا و نجف، ارتباط با عشایر و توجه به تلاش‌های سازماندهی شده مخفی و آمادگی برای مقابله با اشغالگران، از مهم‌ترین نمودهای این حرکت جدید بود. تأسیس جمعیت ملی نیز اولین پیروزی در این عرصه به شمار می‌رود. فتوای تاریخی و حماسی میرزای دوم، که غیرت دینی و وطنی عراق را به جوش آورد، منشأ انقلابی اسلامی و خودجوش، معروف به ثورة شریین در سال ۱۳۳۸ هجری شد که این سرزمین را از بریتانیا نجات داد (رهیمی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۰۷ و ۱۸۹؛ فهد نفیسی، ۱۳۶۴ش، ص ۱۰۷؛ اصغری‌نژاد، ۱۳۷۴ش، ص ۷).

انتفاضه ۱۵ شعبان ۱۴۱۱ علیه بعثی‌ها و رژیم صدام حسین، در بلاشکل گرفت که مرجعیت شیعه و علما آن را هدایت کردند و خیلی زود به در نقاط عراق سرایت کرد و به برکت آن، شیعیان چهارده استان عراق را در اختیار گرفتند؛ ولی در ۲۶ شعبان ۱۴۱۱، عوامل رژیم با توطئه کشورهای غربی و ارتجاع منطقه آن را در هم کوبیدند (ولید الحلی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۰، ۱۷۲ و ۲۶۷؛ ولوجردی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲؛ صحتی سردرودی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۳۴-۱۳۶).

د) شکوفایی علمی و فرهنگی کربلا

حسین سنگ بنای علمی و معرفتی کربلا زمانی گذاشته شد که امام حسین علیه السلام در محرم سال ۶۱ هجری به این قلمرو گام نهادند و در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و احادیث

فراوان، در چادرها، خیمه‌ها، روی مرکب و زیر آسمان، به بیان معارف الهی و موازین شرعی و دینی برای اصحاب و دیگر مشتاقان پرداختند. این معارف را سیدمصطفی اعتماد، پیروی از سبک نهج البلاغه، با نام بلاغۃ الحسین تدوین کرده است. امام سجاده، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام هرگاه که به کربلا می‌آمدند، ضمن زیارت، دعا و ذکر، اصحاب و زائران را از پرتو معارف و مکارم خود بهره‌مند می‌ساختند. عده‌ای از سادات و امامزادگان در جوار آستان سینی ساکن شدند و به نشر علوم و فرهنگ آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداختند که از آنها سیدابراهیم مجاب است که مرقدش در زاویه شمال غربی رواق حسینی قرار دارد (امین عاملی ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۴۰۱؛ هادی الطعّمه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۵، ص ۵۶۳).

عبدالله حمیری، از محدثان قرن سوم هجری و صحابی و شاگرد امام هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام، از نخستین مدرسانی است که در کربلا حوزه درسی تشکیل داد. از هفده اثر او، کتاب قرب الاسناد وی باقی است. ابن بابویه قمی، ابن قولویه و سعد بن عبدالله اشعری از شاگردان اویند (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷ش، ص ۲۴۷؛ دوانی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۲۲ و ۱۳۲).

حمید بن زیاد نینوی، از محدثان مورد وثوق و متوفی در سال ۳۱۰ هجری، در جوار بارگاه حسینی فرازایی از میراث حدیث شیعه را به فرایرانی چون کلینی و علی بن ابراهیم قمی انتقال داد. پس از وی شاگردانش نظیر جعفر حائری و شیخ ابوالفضائل محمد در حائر شریف، حوزه درسی به وجود آوردند و علمای بسیاری از محضرشان بهره‌بردار شدند (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۷۰؛ نجاشی اسدی کوفی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۲۳۷).

در زمان آل بویه، افکار افراطی مکتب حدیثی در کربلا رواج یافت. برای خنثی کردن این روند آفت‌زا، مدارسی شکل گرفت که بر پایه حکمت شیعی و مباحث کلامی فعالیت می‌کردند (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۶، ص ۵۶۳؛ حوزه (مجله)، ۱۳۷۵ش، ص ۶۲). پس از براندازی آل بویه در نیمه قرن پنجم به دست طغرل سلجوقی، بر اثر تهاجم

سلجوقیان، حوزه کربلا آسیب دید؛ اما به دلیل ریشه‌های استواری که داشت و به همت دانشمندان این منطقه، حوزه کربلا در برابر نظامیه بغداد قد علم کرد و در عصر ابن حمزه طوسی به شکوفایی رسید؛ دانشوری که در کتاب الوسیله، با ابتکارش عبادات را از پنج باب به ده باب افزایش داد. در همین زمان، ابن مشهدی حائری کتاب المزار الکبیر را که حاوی ادعیه و زیارات است، تألیف کرد که مأخذ و مرجع بحار الانوار واقع شد و همچنین صحیفه سجاده از محدثان کربلا روایت شد (فقیهی، ۱۳۸۹ش، ص ۶۲؛ جی، آ، بویل، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۵۱-۵۳؛ حوزه (مجله)، ۱۳۷۵ش، ص ۷۸، ۱۴۹ و ۱۶۴).

او یعلی جعفری، از بزرگان شاگردان شیخ مفید و دامادش و همچنین عمادالدین محمد طوسی، که در فقه و حدیث و رجال مهارت داشتند، در کربلا به تدریس، فتوا و زعامت روی آوردند (نجاشی اسدی کوفی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۸۸؛ تفرشی، ۱۳۱۸ش، ص ۳۰۰؛ حرّ عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰).

سیدشمس‌الدین ابی‌علی فخار موسوی (م. ۶۳۰ق.)، فرزند فرزانه سیدمعد (مدرس کربلا در فقه، اصول و حدیث)، در اوایل قرن هفتم هجری در کربلا خیزش فکری و علمی نویددهنده و پُرباری به وجود آورد؛ طوری که کمتر اجازه و سند روای وجود دارد که در سلسله اساتید به وی نرسد. شخصیت‌هایی چون شیخ سعیدالدین یوسف حلّی، صاحب شرایع الاسلام، و کارگزارانی چون ابن علقمی، که در دستگاه بنی‌عباس نفوذ کردند و به وزارت رسیدند، از شاگردان این دانشورند (یدفخار بن معد موسوی، بی تا، ص ۷-۹؛ محدث قمی، بی تا، ص ۳۴۶؛ افندی ا فغانی تبریزی، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۳۲۳؛ حرّ عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۴؛ کحاله، بی تا، ج ۸، ص ۵۵؛ زرکلی، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۱۳۷؛ خوانساری، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۲۷۸).

ابن فهد حلّی، در کربلا بر مسند فتوا و زعامت تکیه زد و به تدریس اقبال نشان داد. او در مناظره‌ای قوی با علمای اهل سنت در حضور والی بغداد (از ایران جلایری)، حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام و تشیع را به اثبات رسانید و باعث شد که حاکم عراق، به نام دوازده‌امام سکه بزند و مذهب شیعه را در حوزه امارت خود رسمی کند (خوانساری، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۷۱؛ مدرس

تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۱۴۵؛ گلشن ابرار، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۶۲).

شیخ یوسف بحرانی، صاحب حدائق، که مشی اخباریگری معتدلی داشت، در کربلا اقامت گزید و به تدریس در ضلع غربی صحن حرم امام حسین علیه السلام مشغول شد. او در مسیر فعالیت‌های آموزشی و علمی‌اش، در افت که بیان مبانی فقهی با شیوه اخباریگری، اشکال‌های اساسی دارد و ادامه و اوج‌گیری حدیث‌گرایی افراطی و هیاهوی میان آن شیوه را خطرناک می‌دید؛ اما موفق نشد از این حرکت‌های جاهلانه و آمیخته به اغراض فرقه‌ای جلوگیری کند تا آنکه وید بهبهانی در سال ۱۱۵۹ هجری به کربلا آمد و با طرح استدلال‌های قوی و مبانی منطقی، فضای غبارآلوده را در هم شکست و بدون هرگونه نزاع و درگیری فرقه‌ای و سیاسی بر اخباریگری کربلا غلبه کرد و مکتب اصولی و اجتهادی را در آنجا استوار ساخت. البته بخش مهم و اساسی توفیق وی در فتح این میدان، خوش فکری و سعه صدر بحرانی بود؛ زیرا او می‌توانست با نفوذ فوق‌العاده‌ای که داشت، در مقابل وحید مقاومت کند. شاگردان وید بهبهانی مانند سید علی صاحب ریاض، فرزندش محمد مجاهد و شریف‌العلمای مازندرانی برای رونق حوزه کربلا بر اساس مشی اجتهادی و اصولی، اهتمام وافری از خود بروز دادند (محدث قمی، بی‌تا، ص ۷۱۳ و ۷۱۴؛ فسایی، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۹۲۴؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۶۰؛ دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۷ و ۱۰۶ و ج ۳، ص ۱۰۷-۱۰۹؛ سپاهی ۱۳۷۳ش، ص ۵۴ و ۵۳؛ جناتی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۷۳؛ دوانی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۹۱-۱۹۳).

در عصر قاجاریه، همزمان با تکاپوهای فکری و آموزشی، مدارس متعددی در جوار بارگاه امام حسین علیه السلام ساخته شد (هادی الطعنة، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۳-۲۰۸).

فاضل اردکانی (م. ۱۳۰۵ق)، از شاگردان شریف‌العلمای مازندرانی، در کربلا حوزه درسی تشکیل داد و در مکتب فقهی و اصولی‌اش مجتهدان بزرگی را پروراند که در عرصه‌های علمی و حرکت‌های سیاسی، خوش درخشیدند که از آنها میرزا محمدتقی شیرازی، رهبر انقلاب عراق و جمع تقلید شیعیان جهان، است (گلی زواره، ۱۳۷۸ش، ص ۳۳ و ۳۴؛ قیقی

بخشایشی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۸۷).

حاج شیخ عبدالکریم حائری، کربلا را برای برنامه‌های آموزشی و ترویجی‌اش برگزید و از آن زمان، به حائری معروف شد. وی احیاگر حوزه علمیه اراک و مؤسس حوزه علمیه قم است و امام خمینی علیه السلام در این دو حوزه از محضرش بهره برده است (شریف رازی، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۲۸-۳۰؛ نیکو بوش، ۱۳۸۱ش، ص ۵۳ و ۵۴).

آیت الله سید اسماعیل صدر (م. ۱۳۳۸ق) کربلا را به صورت پایگاه علم و معرفت درآورد. علمای اصلا حگر و پُرآوازه‌ای چون میرزای نائینی و سید عبدالحسین شرف‌الدین دانش‌آموخته حوزه پُربارا مرجع تقلید بلند پایه‌اند (حسینی حائری، ۱۳۷۵ش، ص ۲۰ و ۲۱؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۴۲؛ گلشن ابرار، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۲۲۴).

حاج آقا حسین قمی (م. ۱۳۶۶ق)، که بر اثر مبارزه با برنامه‌های ضد مذهبی رضاخان به عتبات عراق تبعید شد، در کربلا اسقرار یافت که با اقدامات پُربارش حوزه این شهر دچار تحولات اساسی شد و با فراخوانی آیات محترم میلانی، خوبی، جزایری، بهبهانی و میرزامهدی شیرازی به این دیار برای تدریس، به این حوزه رونق و گرمی بخشید (حاجیان دشتی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۶ و ۱۵؛ پورامینی، ۱۳۷۳ش، ص ۶۱ و ۶۲).

سید محمد رضا قزوینی (م. ۱۳۴۸ق)، سید عبدالحسن طباطبایی حائری (م. ۱۳۶۳ق)، میرزامهدی شیرازی (م. ۱۳۸۰ق) و شیخ محمد علی سیبویه یزدی (م. ۱۳۹۱)، مدرسان برجسته خارج فقه و اصول در جوار بارگاه حسینی و حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام در قرن چهاردهم بوده‌اند و در سنوات اخیر، آیات محترم سید اسدالله اصفهانی، سید کاظم مدرس، شیخ محمد شاهرودی، شیخ مهدی قمی، شیخ مرتضی آشتیانی، سید محسن جلالی، سید نورالدین میلانی، سید محمد صدر و سید زین العابدین کاشانی چراغ دانش و فضیلت کربلا را روشن نگاه داشته‌اند (سید کباری، ۱۳۷۸ش، ص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۶۸؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۵۱؛ حوزه (مجله)، ص ۱۳۲ و ۲۲۵).

برکات کربلا از منظر امام خمینی علیه السلام

به باور امام علیه السلام اگر امام حسین علیه السلام در برابر انحراف، بدعت و منکرات بنی امیه احساس تکلیف نمی کرد و از بیعت با یزید امتناع نمی ورزید و در مدینه به عبادت و کارهای ارشادی اش مشغول می شد، در نیازی نبود تا به عراق برود و کربلا را به وجود آورد (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۹ و ۳۰؛ همو، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۳۷۳ و ج ۱۴، ص ۵۲۱ و ج ۱۹، ص ۱۳۹-۱۴۴).

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، سیدالشهدا علیه السلام با عده ای کم و عده ای اندک در کربلا به پا خاست و آن رویداد، در ظاهر به شکست و شهادت او و یاران و اسارت خاندانش انجامید؛ اما در واقع، علیه دستگاه ستم قیام کرد و امویان را رسوا ساخت و زیر بار ذلت نرفت و مکتب اسلام را حفظ، و عالمی را زنده کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱۰، ص ۳۱۴ و ۱۰۷ و ج ۱۲، ص ۳۵۰ و ج ۲۰، ص ۸۷).

امام خمینی علیه السلام تأکید کرد که شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، به این مفهوم است که هر روز و همه جا باید این نهضت مبارزه با ستم و خلاف استمرار یابد و معنای عبارت، آن نیست که هر روز بنشینیم و ریه کنیم که در کربلا چه گذشت؛ بلکه باید بکوشیم نقشی را که کربلا عهده دار بود، اجرا و آن فداکاری ها و مقاومت ها را احیا کنیم (همان، ج ۱۰، ص ۳۱۵ و ج ۸، ص ۱۲۲ و ۱۲۳).

ایشان در نهم خرداد ۱۳۴۲ در جمع بازاریان قم و تهران، بر کربلایی شدن و پیوستگی با عاشورائیان تأکید می کند و می افزاید که باید روز عاشورا را در قم کربلای حسین علیه السلام قرار دهیم تا کربلایی ثانی درست کنیم (همان، ج ۱، ص ۲۴۰ و ۲۴۱).

امام علیه السلام جنایاتی را که رژیم پهلوی در یورش به مدرسه فیضیه مرتکب شد، با حوادث کربلا در عاشورای سال ۶۱ هجری مقایسه می کند و خاطر نشان می سازد که این فاجعه، واقعه شهدای کربلا را در ذهن ها تداعی می کند (همان، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۴).

امام خمینی علیه السلام تصریح می کند که قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با الهام از وقایع کربلا در عاشورای

۱۳۸۳ هجری شکل گرفت و درست در همان لحظاتی که خون مطهر امام علیه السلام و یارانش بر زمین گرم کربلا ریخت، ا بذر پُربرکت به وجود آمد و به عنوان ریشه انقلاب اسلامی آبیاری گردید و به شکوفایی رسید (همان، ج ۱۶، ص ۲۹۰).

امام خمینی علیه السلام پیوستگی حوادث نهضتش با کربلای حسینی را مورد توجه قرار داد و متذکر شد که این حسّ شهادت‌طلبی و آرزوی جانبازی میان جوانان به وجود آمد، رمزی بود که از کربلا منعکس گردید (همان، ج ۱۰، ص ۱۲۱).

امام علیه السلام در دفاع مقدس، از موج عظیم را بیان کربلا یاد کرد که از قم آغاز، و در سراسر کشور گسترده شد و بارها از شور و شوق کاروان‌های کربلا سخن گفت و از اینکه سپاه پاسداران سالروز سوم شعبان مصادف با میلاد امام حسین علیه السلام را به انگیزه جان بانی و فداکاری‌های کربلا، روز پاسدار اعلام نمود، استقبال کرد و آن را انتخابی نیکو دانست و به مردم مژده داد که ان‌شاءالله شد بدان ما در شمار شهیدان کربلا قرار بپیرند و با آن عزیزان محشور شوند؛ زیرا کربلا کاخ ستمگری را با خون فرو کوبید و کربلای ایران، کاخ سلطنتی شیطانی را فرو ریخت و نوید داد که این برکات (حماسه‌آفرینی‌ها و فداکاری‌ها) از کربلا به ما می‌رسد. امام به جوان‌های ایرانی که باعث تکرار صحنه‌های کربلا شدند، افتخار کرد و تصریح نمود که با وجود گذشت قرن‌ها از حوادث کربلا، خون شهیدان ما در جوش، و ملت زیزمان در خروش است (همان، ج ۱، ص ۳۸۵ و ج ۱۰، ص ۱۳، ۲۱ و ۱۹۲ و ج ۱۱، ص ۹۸، ۲۸۸ و ۳۲۱ و ج ۱۴، ص ۴۰۶-۴۰۷ و ج ۱۵، ص ۳۱۷ و ج ۱۷، ص ۵۰ و ۴۹۹ و ج ۱۹، ص ۴۷۷، ۴۸۴ و ۴۹۷).

امام خمینی علیه السلام در کربلا

در پی تغییر محل تبعید امام خمینی علیه السلام از ترکیه به عراق، ایشان سه‌شنبه ۱۳ مهر ۱۳۴۴ وارد بغداد شد. سپس به کاظمین رفت و آنگاه راهی سامرا گردید و بعد از زیارت مراقد ائمه علیهم السلام تصمیم گرفت که به کربلا برود. عده‌ای از یاران، شاگردان و علاقه‌مندان به رهبر نهضت اسلامی ایران، برای مهیا کردن استقبالی باشکوه از ایشان، زودتر به کربلا رفتند. بزرگانی که

در کربلا دارای نفوذ معنوی و اجتماعی بودند، در تهیه و تدارک وسایل و امکانات برای استقبال کنندگان و تشویق مردم به این برنامه، نقش ارزنده‌ای داشتند (یاد (فصلنامه)، ۱۳۷۲ش، ص ۹۷ و ۹۸؛ صحیفه دل، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۷۷؛ گلی زواره، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۴؛ همو، ۱۳۷۹ش، ص ۵۲).

از آنجا که اطرا بیان امام علیه السلام معتقد بودند ورود ایشان به کاظمین غریبانه بوده و هنگام ورود به سامرا هم استقبال فراگیری از ایشان صورت نگرفته است و از سویی، اهالی کربلا که درصد قابل توجهی ایرانی در یانشان هست و آنان به رهبر نهضت علاقه دارند، در صدد برآمدن تا استقبال از امام علیه السلام هنگام ورود به کربلا گسترده، شکوهمند و جدی باشد و آن‌چنان بازتابی به وجود آورد که نجفی‌ها را برای استقبال باشکوه از امام علیه السلام در ورودی نجف اشرف امیدوار، مصمم و مهیا سازد و هرگونه هراسی را از دل‌هایشان بزداید (ستوده، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۱۶).

اما رژیم پهلوی به وسیله عمالش، که میان اقشار گوناگون و حتی حوزه کربلا نفوذ کرده بودند، تمام نیرنگ‌هایشان را توأم با نشر شایعات و اکاذیب به کار گرفتند تا اهالی، طلاب و علمای کربلا به ورود امام علیه السلام بی‌اعتنا باشند و از این خبر آگاهی نیابند و آهایی هم که مطلع بودند، چنان بیمناک شوند که برای شرکت در این مراسم رغبتی نداشته باشند. آنان مجاوران آستان حسینی و طلبه‌ها را بیم می‌دادند که اگر به استقبال امام علیه السلام بروید، عوامل ساواک از شما عکس و فیلم تهیه می‌نند و با پرونده‌سازی، هنگام ورود به ایران و صدور گذرنامه برای شما مشکل می‌سازند. این تبلیغات منفی، اگرچه محدودیت‌ها و موانعی برای برنامه استقبال به وجود آورد، نتوانست بر آن اثری منفی و قابل اعتنا بگذارد.

به رغم این بازدارنده‌ها و تفرقه‌افکنی محدود ششصد نفر اعم از مردم، علما و طلاب با انواع پلاکاردهای به شهر مُسیب واقع در کنار شط فرات و در ۲۴ کیلومتری کربلا آمدند. ذوق و شوق آنان برای دیدار با امام علیه السلام، هیجان و شور فوق‌العاده‌ای به این مراسم بخشیده بود. حتی برخی رؤسای ادارات دولتی و کارکنان آنان به این جمع پیوسته بودند و این برنامه، در رسانه‌های محلی انعکاس افت (فراتی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴؛ خاطرات حجت‌الاسلام

و ا لمین سمایی حائری، ۱۳۸۴ش، ص ۹۸).

روی برخی پارچه‌هایی که مستقبلین با خود حمل می‌کردند، به زبان عربی نوشته بودند: «زنده باد امام خمینی، نابود باد رژیم شاه» و ورود ایشان را نیز تبریک گفته بودند. در آن میان، یکی از بزرگان شه کربلا تشریف‌فرمایی امام علیه السلام را به عراق خیرمقدم گفت. امام از اتومبیل پیاده شد و مقداری با مردم احوالپرسی کرد و استقبال نندگان ابراز احساسات کردند و جلوتر آمدند تا بر دستان ایشان بوسه زنند. امام علیه السلام تا هنگام ورود به کربلا به آیت‌الله خمینی معروف بود و عنوان امام را مسـلمین کربلا برایشان تعیین کردند. یاران امام در برگزاری این مراسم مؤثر بودند (ستوده، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۱۶).

عصر روز جمعه، ۱۶ مهرماه ۱۳۴۴ شمسی، امام علیه السلام همراه فرزند ارشدش سیدمصطفی خمینی و شماری از علما و فضلا با ماشینی که اهالی کربلا آن را گل پوشانیده بودند و درحالی‌که ندین اتومبیل آن را همراهی می‌کرد، به سوی کربلا حرکت نمود. به محض اینکه امام علیه السلام به کربلا گام نهاد، بلندگوهای گلدسته صحن امام حسین علیه السلام، که هنگام اذان و برخی مناسبت‌های ویژه روشن می‌شد، به کار افتاد و با زبان عربی اعلام کرد: «ورود ذریه فداکار ابی‌عبدالله علیه السلام را به آستان مقدس جد بزرگوارش خیرمقدم می‌وییم». امام علیه السلام بلافاصله راهی بارگاه حسینی گردید. در قبله صحن حسینی پلاکاردی با این عبارت دیده می‌شد: «ترفرف رایة الاسلام بید آیت‌الله الخمینی (پرچم اسلام به دست آیت‌الله خمینی برافراشته شده است)». امام علیه السلام در این چند روز، در صحن مطهر امام حسین علیه السلام نماز جماعت اقامه می‌کرد. هر روز که می‌گذشت، بر صفوف نمازگزاران افزوده می‌شد. وقتی امام راهی حرم می‌گردید، صدها نفر پشت سرشان شعار بی‌به‌حمایت ایشان می‌دادند و زمانی‌که در معابر حرکت می‌کرد، شخصی مردم را به فرستادن صلوات فرا می‌خواند، شعارهای سیاسی هم داده می‌شد. در شب ورود امام به کربلا در اقامتگاه او صدها نفر اطعام گردیدند و جشن باشکوهی در کربلا برگزار شد (شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران، گفت‌و‌و با سیدحمید روحانی، ۱۵ بهمن ۱۳۹۰).

امام علیه السلام برای حفظ وحدت و جلوگیری از سوء استفاده ساواک ایران، اجازه نداد به بهانه

ایت از ایشان، احساسات علما و مراجع عراق تحریک شود و از آنجا که توزیع تصاویرشان حساسیت‌هایی به وجود می‌آورد و ممکن بود شعارهای سیاسی با نیرنگ ساواک صورت گرفته باشد. ما بین او و علما تفرقه به وجود آورد، در این باره واکنش نشان داد و حتی فرمان داد که علیه رژیم پهلوی هم شعاری ندهند (روحانی، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۱۶۷؛ خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین محتشمی پور، ۱۳۷۶ش، ص ۵۷ و ۵۸؛ محتشمی پور، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۱۰۸).

شوق زیارت، درخواست‌های عمومی و خواهش‌های علما، امام علیه السلام را به توقف چندروزه در کربلا متقاعد ساخته بود (فراتی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۵؛ بابایی، ۱۳۸۹ش، ص ۸۹).

مهم‌ترین برنامه معنوی امام علیه السلام در کربلا زیارت آستان حسینی و دیگر مراکز مقدس این شهر بود. ایشان مقید بود از روی مفاتیح در حرم دعا بخواند (گلی زواره، ۱۳۷۸ش، ص ۳۲). گاه اتفاق می‌افتاد که به دلیل فشار و تراکم شدید زائران، امام علیه السلام قادر نبود قدمی به جلو برود. در این حال برخی همراهان خواستند برای امام علیه السلام راهی باز کنند که با مخالفت ایشان روبه‌رو شدند. همچنین امام علیه السلام از آن عده‌ای پشت سر وی حرکت کنند، اکراه داشت. این در حالی بود که برای نمایش اقتدار در مقابل رژیم عراق و عوامل ساواک ایران، چنین برنامه‌هایی ضرورت داشت؛ ولی امام علیه السلام با روح توکل، خود را به دستگاه لایزال الهی متصل ساخته بود و نیازی به این نمایش‌های ظاهری قدرت نداشت (وجدانی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ رفیعی پور علویچه، ۱۳۷۸ش، ص ۳۳).

یک بار به دلیل ازدحام جمعیت، پیرمردی ناتوان زیر دست و پای زائران، در حرم حسینی افتاد. امام علیه السلام با مشاهده این وضع، ناراحت شد و بلافاصله خم گردید و زیر بازویش را گرفت و با احترام وی را از روی زمین بلند کرد و ایشان را مورد نوازش قرار داد (رجایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۶۸).

امام در بعدازظهر جمعه ۱۳۴۴/۷/۲۳ با بدرقه علما و اقشار مختلف مردم، کربلا را به قصد اقامت در نجف ترک کرد (خاطرات خلخالسی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۴۰؛ مراد حاصل، بی‌تا، ص ۷۶).

سفرهای امام به کربلا هنگام سکونت در نجف

امام در ایام اقامت در نجف، ارتباطش را با بارگاه بینی قطع نکرد و علاوه بر شب‌های جمعه هر هفته، در ایام رجب، شعبان، عرفه، عاشورا و اربعین با اتومبیل سواری به کربلا می‌رفت و خانواده‌اش، که با وسیله‌ای دیگر حرکت می‌کردند، در آنجا به امام ملحق می‌شدند. ایشان هنگام اقامت موقت در کربلا به منزلی که آیت‌الله سیدعباس مَهْری در اختیارش نهاده بود، می‌رفت. این منزل در کوچه سادات، شارع صاحب‌الزمان بود (خاطرات عمید زنجانی، ۱۳۷۹ش، ص ۹۶ و ۹۷؛ خاطرات محتشمی، ص ۱۲۱).

امام نماز مغرب و عشا را در حسینیه آیت‌الله بروجردی، و نماز ظهر و عصر را در همان منزل اقامه می‌کرد. از آنجا که حیاط اقامت پنجاه متر مربع مساحت داشت و به اندازه کافی فرش نداشت، افراد عبا‌های خود را پهن می‌کردند و روی آن نماز می‌خواندند. امام علیه السلام وقتی برای اقامه نماز می‌آمد، چه از پشت صفوف که کفش‌ها را گذاشته بودند و چه در مسیری که عباها را پهن کرده بودند، با برداشتن گام‌های مناسب و دقتی ویژه، می‌وشید نه پای خود را روی آن عباها بگذارد و نه بر کفش‌ها قدم نهد و به این شکل، رعایت دقیق حقوق شرعی مردم را عملاً به حامیانش آموزش می‌داد (رحیمیان، ۱۳۷۱ش، ص ۵۱ و ۵۰).

سال ۱۳۴۸ شمسی که امام علیه السلام برای زیارت به کربلا آمده بود، استاندار وقت کربلا برای ملاقات با ایشان به همین خانه آمد. رهبر انقلاب به احترام او از جا برنخاست و گفته‌های این مقام بعثی را در انتقاد از دولت ایران گوش داد؛ ولی درباره آن اظهارات چیزی بر زبان نیاورد؛ زیرا این دو رژیم به باور امام علیه السلام اگرچه در ظاهر با هم اختلاف داشتند، در دشمنی با مسلمانان و شیعیان با هم مشترک بودند (وجدانی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۸۸؛ صحیفه دل، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۵۷).

بار دیگر که امام علیه السلام با وجود کسالت شدید، خود را به کربلا رسانیده بود، عده‌ای از مقامات امنیتی و انتظامی عراق به محل اقامت امام آمدند و گفتند: از آنجا که کسالت دارید، اجازه دهید تا شورای پزشکی مستقر در بغداد در اسرع وقت معاینات لازم را درباره شما انجام دهند

و معالجات مقتضی صورت گیرد. آنها منتظر بودند امام علیه السلام سخنی بر زبان آورد؛ ولی سکوت ایشان را دیدند و وقتی بار دیگر این موضوع را مطرح کردند، امام علیه السلام با قاطعیت گفت: «به شورای پزشکی نیازی نیست». در این حال، آنان منزل را ترک کردند و از ایجاد ارتباط با ایشان برای مقاصد شومشان مأیوس شدند (وجدانی، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۱۴۸).

اگرچه امام علیه السلام در بیشتر این سفرهای زیارتی، خانواده را با خود می بردند، در مواقعی که اعضای خانواده اش در ایران بودند، با مکتوبات و پیغام هایی آنان را از وضع خود آگاه می کرد و خاطر نشان می ساخت که برای زیارت به کربلا آمده است و در همه جا برایشان دعا، و از جانبشان زیارت می کند (موسوی مینی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۱۷۸، ۳۲۹، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۷ و ۴۵۶).

نتیجه گیری

از زمانی که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به سرزمین کربلا قدم نهادند و حماسه باشکوه عاشورا را در این دیار رقم زدند و سرانجام این دیار، مشهد مقدس آن حضرت و یاران و اصحابش شد، خاک ا قلمرو عطراگین و معطر گشت. کربلا پس از عاشورای سال ۶۱ هجری، نه فقط تولدی دوباره و بابرکت یافت؛ بلکه سرچشمه شکوفایی فرهنگ و فضیلت شد و جویبارهای معطرش اعصار و امصار را درنوردید و در عرصه های گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و معرفتی روش باشکوهی را به ارمغان آورد و به جوامع انسانی، حریت، عزت، غیرت و کرامت تقدیم کرد. نخستین اجتماع مذهبی - سیاسی بعد از قیام طف در کربلا را توابین صورت دادند. از عصر ائمه هدی علیهم السلام، به موازات عمارت و احداث گنبد و بارگاه بر مزار منور امام حسین علیه السلام، درباره ترقی و توسعه کربلا در جنبه های اجتماعی، اقتصادی و ارتباطی و فراهم آوردن تسهیلات رفاهی و خدماتی برای زائران و مجاوران آن حرم مقدس، از سوی حاکمان، خیران و واقفان اقدامات مفید و مؤثری صورت گرفت. با وجود این، در ایام سلطه امویان و بنی عباس، این شهر مورد بغض و کینه برخی خلفا و فرمانروایان این دو سلسله قرار گرفت؛ زیرا آن آستان مبارک منشأ قیام ها و خیزش هایی بود که بساط این جفاکاران را

مورد تهدید جدی قرار می‌داد. به رغم تنگناها و اختناقی که حکام ستمگر بر این سرزمین تحمیل می‌کردند، از قرن سوم هجری، حوزه علمیه کربلا به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های آموزشی و علمی آشکار گردید و در قرون و اعصار بعد، بر رونق و اعتبارش به لحاظ کیفی افزوده شد و در غنای علمی و معرفتی و فرهنگی جهان اسلام، نقش مؤثری ایفا کرد.

علمای شیعه که برای ترویج فرهنگ عترت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به کربلا مهاجرت می‌کردند و در حوزه این شهر به پرورش شاگردانی شایسته اهتمام می‌ورزیدند، ضمن استفاده از برکات معنوی آستان حسینی، در مصاف با ستمگران و ستیز با جرثومه‌های فساد و خلاف، از فرهنگ عاشورا الهام می‌گرفتند؛ چنان‌که امام خمینی رحمته الله علیه در مبارزه با رژیم استبدادی پهلوی، از نهضت یمنی متأثر بود و پیروان و حامیانش را پیوستگی با این خیزش جاوید فرا خواند. آن رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، هنگام اقامت در عتبات عراق، ضمن تقید ویژه به زیارت حرم امام حسین علیه السلام و استفاده از برکات معنوی این آستان آسمانی و عرشی، پیگیر حرکت‌های سیاسی و پیشبرد نهضت اسلامی بود؛ چنان‌که در برابر عوامل نظام بعثی حاکم بر عراق، موضع‌گیری قاطع و باصلابت داشت. در واقع، این رژیم در صدد بود از موقعیتی که امام خمینی رحمته الله علیه دارد، به نفع تحکیم پایه‌های حکومت پوشالی خود سوء استفاده کند که آن روح قدسی، پیرنگ آنان را خنثی کرد و حتی کارنامه سیاه رژیم بعثی را درباره رفتار با شیعیان، زائران، علما و دسته‌های سوگواری‌های محرم و عزاداران حسینی افشا ساخت.

منابع

١. آقابزرگ تهراني، محمد محسن (١٣٣٧ش). مصفى المقال فى مصنّفى علم الرجال، تهران، بى نا.
٢. _____ (١٤٠٤ق). طبقات اعلام الشيعة نباء البشر فى القرن الرابع عشر، مشهد، دار المرتضى، چاپ دوم.
٣. _____ (بى تا الف). الانوار الساطعة فى المائة السابعة، قم، انتشارات اسماعيليان.
٤. _____ (بى تا ب). نوابغ الرواة فى رابعة المائة، قم، اسماعيليان.
٥. ابن جرير، على بن محمد (١٣٨٥ق). الكامل فى التاريخ، بيروت (لبنان). دار صادر للطباعة و النشر.
٦. ابن الجوزى، يوسف بن قزاوغلى (١٣٨٣ق). تذكرة الخواص، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحيدرية، چاپ دوم.
٧. تغرى بُردى، يوسف (٣٨٢ق). النجوم الزاهرة فى ملوك مصر و القاهرة، القاهرة (مصر). المؤسسة المصرية العام.
٨. ابن جوزى، عبدالرحمان بن على (١٤١٢ق). المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم، دراسة و تحقيق: محمد عبدالقادر عطاء و مصطفى عبدالقادر عطا، راجعه و صحّحه: نعيم زر زور، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول.
٩. ابن طاووس، سيد عبدالكريم بن احمد (١٣٦٨ق). فرحة الغرى فى تعيين قبر امير المؤمنين عليه السلام، نجف اشرف، طبعة الحيدرية.
١٠. ا. عنبة، احمد بن على (١٤١٧ق). عمدة الطالب فى انساب آل ابيطالب، قم انصاريان، چاپ اول.
١١. ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ق). مل الزيارات، صحيح و حواشى علامه شيخ عبدا بين اى نجفى تبريزى، نجف اشرف، المطبعة المرتضوية، چاپ اول.
١٢. ابن مسكويه، احمد بن محمد (١٤٠٧ق). تجارب الامم، تحقيق ابواقاسم امامى، تهران، دار سروش للطباعة و النشر، چاپ اول.

۱۳. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). **مقاتل الطالبین**، تحقیق احمد صفر، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ اول.
۱۴. اصغری نژاد، محمد (۱۳۷۴ش). **میرزا محمد تقی شیرازی، سروش استقلال**، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۱۵. اصه هانی افندی، میرزا عبدالله (۱۳۶۹ش). **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۶. اظهارات سید تقی موسوی درجهای، رادیو معارف، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰، ساعت ۸ صبح.
۱۷. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶ش). **تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری**، تهران، نامک، چاپ اول.
۱۸. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق). **اعیان الشیعة**، حقه و اخرجه نجل المؤف سید حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ سوم.
۱۹. بابایی، رضا (۱۳۸۹ش). **امام خمینی از ولادت تا ولایت**، تهران، عروج، چاپ اول.
۲۰. بصیرت منش، حمید و دیگران، **صحیفه دل، مطالب و خاطراتی از شاگردان امام خمینی** (۱۳۷۷ش). تهران، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۲۱. بلاذری، امد بن یحیی (۱۳۳۷ش). **فتوح البلدان**، تهران، نشر نقره.
۲۲. بویل، جی. آ. (۱۳۷۱ش). **تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان**، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۲۳. بیانی، شیرین (۱۳۸۶ش). **مغولان حکومت ایلخانی در ایران**، تهران، سمت، چاپ پنجم.
۲۴. پورامینی، محمد باقر (۱۳۷۳ش). **حاج آقا حسن طباطبایی قمی قامت قیام**، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. پی‌نن، رشیدو (۱۳۶۸ش). **سقوط بغداد**، ترجمه سداالله آزاد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۶. تفرشی، سید مصطفی (۱۳۱۸ش). **نقد الرجال**، تهران، بی‌نا.
۲۷. جعفر الخلیلی (۱۴۰۷ق). **موسوعة العتبات المقدسة (قسم کربلا)**. بیروت، بی‌نا، چاپ دوم.
۲۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۸ش). **تاریخ ایران اسامی، دتر سوم، از یورش مغولان تا زوال ترکمانان**، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۲۹. جمعی از پژوهشگران و مؤلفان حوزه علمیه قم (۱۳۷۲ش). گلشن ابرار، نشر معروف، چاپ دوم.
۳۰. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۲ش). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران، کیهان، چاپ اول.
۳۱. حاجی بیگی کندری، محمدعلی، خاطرات حاج شیخ اسعلی عمید زنجانی (۱۳۷۹ش). تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۳۲. حاجیان دشتی، عباس (۱۳۷۲ش). نصر فضیلت و تقوا، قم، ید (مجلات).
۳۳. حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴ش). شیخ و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۳۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا). اَمَلِ الْأَمَل، تحقیق سیداحمد حسینی اشکوری، جف اشرف، عة الآداب.
۳۵. حسینی حائری، سیدکاظم (۱۳۷۵ش). زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه و پاورقی حسن طارمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۳۶. مینی مدنی دشتکی شیرازی، سیدصدرالدین علیخان (۱۳۷۱ش). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالعابدین و امام الزاهدین، تهران، بی تا.
۳۷. حوزه (۱۳۷۵ش). شماره ۷۸، بهمن و اسفند سال سیزدهم.
۳۸. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، خاطرات حجتالاسلام و المسلمین سیدعلی اکبر محتشمی پور (۱۳۷۶ش). تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۳۹. حویزی عروسی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۲۲ق). تفسیر نور الثقلین، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول.
۴۰. خاطرات آیت الله محمدصادق صادق صادقی گیوی خلخالی (۱۳۷۹ش). تهران، نشد ایه، چاپ اول.
۴۱. خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۳ش). تبیان، دفتر سوم، قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۲. _____ (۱۳۷۹ش). صحیفه امام (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامه های امام خمینی). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۳. خوانساری، میرزاحمدباقر (۱۳۹۱ق). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات،

تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، کتبه اسماعیلیان.

۴۴. **دائرة المعارف تشیع** (۱۳۸۳ش). زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، امران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، نشر سعید محبی، چاپ پنجم.
۴۵. دوانی، علی (۱۳۶۲ش). **وید بهبهانی**، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۴۶. _____ (۱۳۶۳ش). **مفاخر اسلام**، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۴۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش). **لغتنامه**، ز نظر محمد معین و مدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
۴۸. دینوری، احمد (بی‌تا). **الاکخبار الطوال**، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
۴۹. رجایی، غ علی (۱۳۷۸ش). **برداشت‌هایی از سیره امام خمینی**، تهران، مرکز چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
۵۰. رحیمیان، محمدحسن (۱۳۷۱ش). **در سایه آفتاب**، قم، اسددار اسلام.
۵۱. رفیعی، محسن (۱۳۸۲ش). **عراق صدف شش گوهر**، با همکاری معصومه شریفی، قم، نشر روح، چاپ اول.
۵۲. رفیعی‌پور علویچه، سیدعباس (۱۳۷۸ش). «امام خمینی در محضر معصومان»، فرهنگ کوثر، سال سوم، شماره ۳۱، شهریورماه.
۵۳. روحانی صدر، حسن، **خاطرات سیدتقی موسوی درچه‌ای (سفیر هفت‌هزار روزه)** (۱۳۹۰ش). تهران، سوره مهر، چاپ اول.
۵۴. روحانی، سیدحمید (۱۳۷۸ش). **نهضت امام خمینی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۵۵. رهیمی، عبدالحلیم (۱۳۷۵ش). **تاریخ حرکت اسلامی در عراق**، ترجمه محمدنبی ابراهیم، تهران، حوزه هنری سازمان بیغات اسلامی، چاپ اول.
۵۶. زرکلی، خیرالدین (۱۳۹۹ق). **الاعلام**، بیروت، بی‌نا، چاپ هشتم.
۵۷. زهیر سلیمان (۱۴۱۰ق). «ربلا مدینة الشهادة و التاريخ»، **مجلة الثقافة الإسلامية**، العدد السادس و العشرون، محرم و صفر.
۵۸. سپاهی، مجتبی (۱۳۷۳ش). **صاحب حدائق باغبان فقه**، تهران، معاو پژوهشی سازمان

تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

۵۹. ستارزاده، لیحه (۱۳۸۶ش). **سلجوقیان**، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۶۰. ستوده، امیررضا (۱۳۸۰ش). **پا به پای آفتاب**، تهران، نشر پنجره، ویرایش دوم.
۶۱. سید کبادی، سیدعلیرضا (۱۳۷۸ش). **حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان**، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۶۲. شاهرودی، نورالدین (۱۴۱۳ق). **۱. سین و الحسینیون**، تهران، مؤلف.
۶۳. شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ش). **گفت و و با سیدحمید روحانی** (زیارتی). ۱۵ بهمن، ساعت یازده و نیم صبح.
۶۴. شریف رازی، محمد (۱۳۵۲ش). **گنجینه دانشمندان تهران**، انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۶۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۳ش). **توضیح الممل (ترجمه الممل و النحل)**. تحریر صطفی خالق داد هاشمی، بیح و تحقیق سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، اقبال، چاپ چهارم.
۶۶. صحتی سردرودی، محمد (۱۳۷۳ش). **سیمای کربلا**، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
۶۷. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). **تاریخ الامم و الملوك**، بیروت، دار القاموس الحدیث.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ق). **رجال**، تصحیح و تعلیق سیدمحمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف، المطبعة الحیدریة.
۶۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۴۰۵ق). **فقه‌های نامدار شیعه**، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۷۰. علی المؤمن (۱۴۱۵ق). **سنوات الجمر**، لندن، دار المیسرة، چاپ اول.
۷۱. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۴ش). **تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی**، امام خمینی در تبعید، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷۲. فسایی، حاج میرزاحسن (۱۳۷۸ش). **فارسنامه ناصری**، بیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۷۳. فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶ش الف). **آل بویه و اوضاع زمان ایشان**، چاپ سوم.

۷۴. _____ (۱۳۶۶ش ب). وهابیان، تهران، صبا، چاپ سوم.
۷۵. _____ (۱۳۸۹ش). تاریخ آلویه، تهران، سمت، چاپ هفتم.
۷۶. فهد نفیسی، عبدالله (۱۳۶۴ش). نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۷۷. قمی، شیخ عباس (بی تا). فوائد الرضویة، تهران، بی نا.
۷۸. کحالة، عمررضا (بی تا). معجم المؤلفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷۹. کرکوش حلّی، سف (بی تا). تاریخ الحلة، قم، شریف رضی.
۸۰. کلیددار، عبدالجواد (۱۳۸۶ق). تاریخ کربلا، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة، چاپ اول.
۸۱. کلیددار، محمدحسن (۱۳۶۸ق). مدینه الحسین، تهران، نا.
۸۲. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۸ش). «امام خمینی شیدای اهل بیت (علیه السلام)»، ماهنامه فرهنگ کوثر، سال سوم، شماره ۳۱، شهریورماه.
۸۳. _____ (۱۳۷۹ش). فرازهای فروزان، قم، حضور.
۸۴. _____ (۱۳۸۶ش). اصح صالح (حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی). با تقریظ علامه حسن زاده آملی، قم، حضور، چاپ اول.
۸۵. م. جرفادقانی (۱۳۶۴ش). علمای بزرگ شیعه از ی تا خمینی، قم، انتشارات معارف اسلامی، چاپ دوم.
۸۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)، بیروت (لبنان). دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۸۷. محتشمی پور، سیدعلی اکبر (۱۳۸۴ش). از ایران به ایران، قم، ثر النبی، چاپ دوم.
۸۸. مدرس، محمدباقر (۱۴۱۹ق). شهر حسین، تهران، کلینی، چاپ دوم.
۸۹. مدرسی تبریزی، میرزاهمده علی (۱۳۷۴ش). ریحانة الادب فی تراجم المعرو ن بالکنیة و اللقب، تهران، خیام، چاپ چهارم.
۹۰. مدرسی، محمدتقی (۱۳۶۷ش). امامان شیعه و جنبش های مکتبی، ترجمه حمیدرضا آذیر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۹۱. مراد حاصل، مهدی (بی تا). یار، از تولد تا رحلت امام خمینی، تهران، مؤسسه انتشاراتی

بهگر.

۹۲. مرعش — جفی، سید محمود، میرات ماندگار (۱۳۸۲ش / ۱۴۲۴ق). قم، کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
۹۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات آیت‌الله سیدعباس خاتم یزدی (۱۳۸۱ش). تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۹۴. مسعودی، ملی بن حسین (۱۳۷۰ش). مروج الذهب، رجمه ابواقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۹۵. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۲ش). هنگ فرق اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۹۶. ——— (۱۳۶۳ش). تاریخ ایرا زمین از روزگار باستان تا انقراض اجاریه، تهران، اشراقی، چاپ دوم.
۹۷. ملکی، علی، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سمایی حائری (۱۳۸۴ش). تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۹۸. منش — ترکمان، اسکندریک (۱۳۸۷ش). تاریخ الم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۹۹. موسوی، سیدفخار بن مُعد (بی‌تا). الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابي طالب، قم، نشر سیدالشهدا.
۱۰۰. مؤسسه الدراسات الاسلامیه (بی‌تا). العراق بین الماضي و الحاضر و المستقبل، بیروت، بی‌تا.
۱۰۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۳۲ق). رجال النجاشی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی اابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ دهم.
۱۰۲. نیکوبرش، فرزانه (۱۳۸۱ش)، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر بی‌نالملل، چاپ اول.
۱۰۳. وجدانی، مصطفی (۱۳۶۶ش). سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی به روایت جمعی از فضلاء، تهران، پیام آزادی، چاپ هفتم.
۱۰۴. ولوجردی، حمد (۱۴۱۲ق). مروری بر تاریخ سیاسی کربلا، تهران، معاونت اعماعی سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۰۵. ولید الحلی (۱۴۱۳ق). العراق الواقع و آفاق المستقبل، لندن، بی جا، چاپ اول.
۱۰۶. هادی الطعمه، سلمان (۱۴۰۳ق). تراث کربلا، بیروت (لبنان). مؤسسة ا می للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۰۷. یاد، فصلنامه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی (۱۳۷۲ش). سال هشتم، شماره ۳۱، ۳۲، تابستان و پاییز.
۱۰۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱ش). تاریخ عقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات لمی و فرهنگی، چاپ ششم.

